

هیچ جمهوری دیگری تا کنون قادر به رها بی زنان نبوده است. حکومت شوروی بزنان کمک میکند. امر ماضکت ناپذیر است. چون طبقه شکست ناپذیر کار کرده در همه کشورها برعکس است. چنین جنبشی کسترش انقلاب شکست ناپذیر خواهد بود. سیالیتی را اعلام میدارد. (ابراز احصای معتدله) «انترناسیونال» را میخواهند.

گزارش روزنامه «در» ۲۰ نوامبر ۱۹۱۸

در «ایزوستیا» ۲۵۳ منتشر شد.

«کلیات» ج ۲۸

از «پیش نویس برنامه حزب کمونیست روسیه (بلشویک)»
نخستین پاراگراف، بخش برنامه در مورد دادگاه

حزب کمونیست همچنانکه بوسیله دیکتاتور پرولتاریا بسوی کمونیسم
پیش میرود، شمارهای دمکراتیک را دور میاندازد، همچنین ارگانهای طبقه
بورژوازی مانند دادگاههای قدیم را ملغی ساخته و دادگاههای طبقاتی کارگران
و دهقانان را جایگزینشان میسازد. بعد از بدست گرفتن همه قدرت، پرولتاریا
بهای فرمول مبهم قدیم «انتخاب قضاات توسط مردم» شمار طبقاتی «انتخاب
قضاات از طبقه کارگر توسط هیچکس مگر زحمتکشان» را پیش مینهد و آنرا
در سراسر مملکت قضایی بمرحله عمل در میآورد. در رابطه با انتخاب قضاات
تنها از میان کارگران و کشاورزان که بخاطر سود کارگر اجرتی استخدام نمیکند
حزب کمونیست نمایری از نظر مکتب نگذاشته بلکه در انتخاب قضاات و در اجرائی
مملکتهای قضایی، برای بری حقوقی کامل برای زن و مرد قایل است. با انجام لغو
نوائین حکومتها و سرنگون شده، حزب از قضااتیکه رای دهندگان شوروی انتخاب
کرده اند، خواهان اجرای عزم پرولتاریا و کاربرد مصوبات وی میکنند. با در صورت
وجود مصوبات مربوطه و چنانچه آنها نارسا باشند، با جمع بوهی از قوانین
حکومتها و سرنگون شده، از حسن عدالت مویا لیبستی همان رهنمود خواهد گرفت.

از "ابتکاری بزرگ" قهرمانی کارگران

در پشت جبهه "سایوتنیکهای کمونیست" ۲۵

همه ما با بدبختی که اثرات برخورد عبارت بردازانه روشنفکرانسه
بورژوازی بسایل انقلاب در هر قدسی و همه جا و حتی در صفوف خودمان بدبختی
است. برای مثال و مطبوعات ما مبارزه ناچیزی با بقایای پوسیده گذشته بورژوا-
دمکراتیک انجام میدهد و ترویج ناچیزی از جوانه های ساده و عادی و معمولی
اما نیرومند کمونیسم اصل و مبنا بد.

موقعیت زنان را در نظر بگیرید. در این زمینه و هیچ حزب دمکراتی
در جهان حتی پیشرفته ترین جمهوری بورژوازی و یک قدم آنچرا که ما در همان
اولین سال قدرتمان انجام داده ایم و طی دهها انجام نداده اند. مادر حقیقت
قوانین شرم آوری را برانداخته ایم که زنان را در موقعیت نابرابری قرار میدهد
طلاق را محدود و آنرا با تشریفات منفری احاطه میکرد و از فرزندان که
خارج از ازدواج متولد میشوند طلب غنا ما می کرده و اجرای جستجوی پدران آنها
را میطلبید و غیره و قوانین متعدد بکه بقایای آن ماهه شرم بورژوازی و
سرماهداری است و در همه کشورهای متعلقین به ما میشوند. ماحق داریم هزاران بسار
برای آنچه در این زمینه انجام داده ایم بحود بیالیم. اما ما هرچه کاملتر
زمین را از الوارهای کهنه و قوانین و موسسات بورژوازی پاک میکنیم و منوجه
میشویم که ما تنها زمین را برای ساختن پاک کرده ایم و ولی هنوز نساخته ایم.
با وجود همه قوانین رها بخش زن و او یک برده خانگی میماند و بره
امور کوچک خانه داری او را خرد و خفه و بی اثر کرده و ننزلس میدهد و بس
آهنگ خانه و شیر حوارگاه پای بندش میسازد و او کارش را در جان کنی و حیسانه
غیرمولد و کوچک و اعصاب خردکن و بی اثر و تضعیف کننده تلف منما بد و رها بی
راستمن ریان و کمونیسم راستین و تنها در زمان و مکانی آغاز خواهد گشت که مبارزه
همگانی (برهبری پرولتاریای دارنده قدرت دولت) بر علیه این امور کوچک
خانه داری آغاز گردد و ما بهتر و آنداه که دگرسانی کلی آن به اقتصاد بزرگ

سویا لیبنتی آغاز میشود .

آیا مادر عمل با این مسئله ، که هر کمونیستی درنشوری مسلم میدانند
نوجه کافی داریم ؟ البته نه . آیا ما مواظبت کافی از جوانه های کمونیسم
که هم اکنون در این حیطه وجود دارند مینمائیم ؟ دوباره جواب نه است ، اما کن
غذاخوری عمومی مشهور خوارگاه ها ، کودکانها - اینها نمونه های از این جوانه ها
هستند ، و سایر ساده روزانه های یک چیزهای پرزرق و برق ، برآب و تاب بسا
تشریفاتی نبوده ولی میتوانند واقعا زنان را آزاد نمایند ، واقعا نابرابری
آنها را با مردان در رابطه با نفوذ آنها در تولید اجتماعی و زندگی عمومی کم
کرده و از بین ببرند . این وسایل جدید نیستند ، آنها (قبل از همه) -
خواستهای مادی برای سویا لیبنتی (توسط سرمایه داری بزرگ آفریده شده بودند .
ولی تحت سرمایه داری آنها اولاً ، کمیاب بوده و ثانیاً - که محصول مهم است -
با بنگاههای منفعت آور یا بدترین خصایل بورس بازی ، سودجویی و حقه بازی و
تقلب و با " بندبازهای خیره بورژوازی " بودند که بهترین کارگران بدترستی
از آنها دوری جسته و از آنها نفرت داشتند .

شکی نیست که تعداد چنین موسساتی در کشورمان بی اندازه افزایش یافته
و آنها در شرف تغییر ماهیت هستند . شکی نیست که ما استعداد ساز
مانده بسیار بیشتر از آنچه خود از آن آگاه هستیم ، در میان زنان کارگرو
دعقانی داریم ، ما افرادی بسیار بیشتر از آنانکه میشناسیم داریم ، کسانیکه
میتوانند با زماندهی کار عملی با همکاری تعداد کثیری از کارگران و تعداد کثیر -
تری از مصرف کنندگان پردازند - بدون حرفائی ، ناد و بیداد ، قبل و قال و ورا
راجع بخرجهای ، سببها و غمزه که " روشنفکران " کله دار با " کمونیستهای " نیم -
بخته ما بآنها مبتلا شده اند . ولی ما این جوانه های تازه را آنچنانکه باید
مواظبت نمیکنیم .

به بورژوازی نگاه کنید . چه خوب میدانند چگونه آنچه را آنها احتیاج
دارند تبلیغ نمایند ! ببینید چگونه مبلهونها نسخه از روزنامه های آنها آنچه
را سرمایه داران بعنوان بندگانها می " نمونه " مینامند تحسین میکنند
و چگونه موسسات بورژوازی " نمونه " مایه فرور ملی را [جازه] اند
مطبوعات ما اصلاً این زحمت را بخود نمیدهند که بهترین اماکن غذاخوری یا غیرخوار -

گاهها را تشریح کنند، با پدیدگیری روزانه بعضی از آنها را به عدلها بی از نوع آنها تبدیل نمایند، با اندازه کافی آنها را تبلیغ نمیکند، بتفصیل [بفها] را تشریح نمیکند، صرفه جوئی در کار انسانی مراحتی های مصرف کننده، صرفه-جوئی در محصولات، رهایی زنان از بردگی خانگی، بهبودی شرایط بهداشتی مرا که میتوان با کار کمونیستی نمونه کسب نمود، که میتوان به همه جامعه، به همه محنتکاران گسترش داد، مفصلاً تشریح نمیکند.

تولید نمونه سوبوتنیکهای کمونیستی نمونه، مواظبت نمونه و از روی وجدان در فراهم کردن و توزیع هر پوت از حبوبات، اماکن غذاخوری نمونه، حفاظت نمونه در فلان و بهمان خانه کارگران، در فلان و بهمان راسف [خیابان]، همه با هستی آنها با ریبیشتر از آنچه هست مورد توجه و دقت ملحوبات ما و بهمان نسبت هستند مشکلات کارگری و دهقانی، فرار گیرند، همه اینها جوانه های کمونیسم هستند، و وظیفه عمومی و اولیه ماست که از آنها مواظبت کنیم. با موقعیت مشکل ما در غذا و تولید، طی ۱۸ ماه حکومت بلشویکی، بدون شك پیشرفتها بسی در این زمینه شده است: تهیه حبوبات از ۳۰ میلیون پوت (از اول اوت ۱۹۱۷ تا اول اوت ۱۹۱۸) به ۱۰۰ میلیون پوت^{۲۱} (از اول اوت ۱۹۱۸ تا اول مه ۱۹۱۹) فزونی یافته است. سبزیکاری و سبزی بافته، مقدار زمین شخم زده، گاهن بهمان کرده، حمل و نقل با قطار، علیرغم مشکلات بیشمار سوخت شروع به بهبودی نموده، و از این قبیل. با چنین زمینه عمومی و با پشتیبانی قدرت دولت پرولتاری، جوانه های کمونیسم بزمردن خواهند شد، آنها رشد کرده و بصورت کمونیسم کامل شکوفا خواهند شد.

بصورت جزوه ای در ژوئیه ۱۹۱۹

در مسکو منتشر شد.

وظایف جنبش زنان کارگر در جمهوری شوروی

این سخنرانی در چهار رهن کنفرانس زنان کارگر غیر حزبی شهر مسکو ۲۳ ماه سپتامبر ۱۹۱۹ ایراد شده است.

رفقا، موجب سرت‌منست که به کنفرانس زنان کارگر خوش آمدگویم. به خود اجازه میدهم که از موضوعات و مسائلی جنم بهوشم که البته، در این لحظه مورد علاقه شدید هر زن کارگر و هر فرد آگاه سیاسی از توده کارگر میباشند، اینها از مهم‌ترین مسائل اند. مسئله نان و وضع جنگ، من از گزارشات جلسات شما بوسیله روزنامه اطلاع پیدا کردم که این مسائل توسط رفیق تروئسکی - تا جاییکه مسئله جنگ ربط دارد - توسط رفقا با کورولوا و سویدرکی - تا آنجا که مسئله نان ربط پیدا میکند - بسیار مشروح شکافته شده‌اند. بنابراین، خواهش میکنم بمن اجازه دهید از چنین مسائلی جنم بهوشم.

میں دارم چند کلماتی در باره وظایف عمومی که جنبش زنان کارگر در جمهوری شوروی با آنها روبه‌روست سخن گویم. آنها شبیه بطور عام به گذار به سوسیالیسم ربط پیدا میکنند و آنها شبیه در زمان حاضر فوریت خاصی دارند. رفقا، مسئله موقعیت زنان از همان ابتدا توسط قدرت شوروی عنوان شده بود. بنظر من چنین می‌آید که هر دولت کارگری در هر گذار به سوسیالیسم با وظیفه دوگانه‌ای روبه‌روست. بخش اول این وظیفه نسبتاً ساده و آسان است. این به قوانین کهنه که زنان را در موقعیت نابرابری در مقابل با مردان نگاه میداشت، مربوط است.

شرکت کنندگان در جنبش‌های رهایی بخش در اروپای غربی از مدت‌های مدیدی نه از همه‌ها بلکه از قرن‌ها پیش ما این مطالبه را پیش کشیدند که این قوانین منسوخ لغو شده و زنان با مردان قانوناً برابر شوند و ملی هیچیک از دولت‌های دمکراتیک اروپایی و هیچیک از جمهوریهایی پیشرفته موفق با اجرای آن نشده‌اند. چون هر کجا سرمایه‌داری است هر کجا مالکیت خصوصی زمین و کارخانه‌ها است هر کجا قدرت سرمایه حده میشود، مردان امتیازات خود را حفظ میکنند. در روسیه اجرای آن ممکن شد چون از ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ قدرت کارگران منفر شده بود.

دولت شوروی از همان وهله اول صفتش را استقرار قدرت زحمتکشان، یعنی دشمن همه اشکال استثمار و بوجود آمدن موقوف نمودن هر نوع امکان استثمار را فرد کارگر توسط ملاکین و سرما به داران و موقوف نمودن سلطه سرما به او و استفاده خودتعمین کرده قدرت شوروی کوشش کرده است که زحمتکشان بتوانند اداره زندگی شان را بدون مالکیت لکیت خصوصی پرزمین و بدون مالکیت خصوصی در کارخانه ها بدون مالکیت خصوصی که در هر کجا در تمام دنیا حتی در حائیکه آزادی کامل حسابی وجود دارد حتی در دموکراتیکترین جمهورها - زحمتکشان را در موقعیتی نگاه میدارند که حقیقتاً فقره سردگی مردی و بردگی معاف زنان وجود دارد - امکان پذیر سازند.

قدرت شوروی یعنی قدرت زحمتکشان سرماها و اول هستی را انقلاب مسلحی در ندوبن قانونیکه مربوط بزنان بود انجام داد. هیچیک از آن قوانینی که در جمهوری شوروی باقی مانده اند زنان را در موقعیت پائین تر قرار میدهد. من بخصوص راجع بقوانینی صحبت میکنم که از موقعیت ضعیف تر زنان سوء استفاده نموده و آنها را در موقعیتی نابرابر و اغلب حتی در موقعیتی تحقیرآمیز قرار میداده یعنی قوانین طلاق و جبههای متولد خارج از نکاح (غیر حلال زاده) و حق يك زن در مورد شکایت از پدر بچه برای نفقه.

بخصوص در چنین محیطی است که باید گفت حتی در پیشرفته ترین کشورها قوانین بورژوازی از موقعیت ضعیف تر زنان برای تحقیر آنها سوء استفاده نموده و با آنان موقعیت اجتماعی نابرابری میدهد. بخصوص در چنین محیطی بود که قدرت شوروی هیچیک از قوانین کهنه و سابق را که برای زحمتکشان تحمل ناپذیر بود باقی نگذاشته است. ما اکنون ممکنست ما افتخار و بدون اغراق بگوئیم که تغییر از روحیه شوروی هیچ کشوری سردسبانیست که در آن زنان از تساوی کامل برخوردار باشند و زنان را در موقعیتی تحقیرآمیز که بویژه در زندگی روزانه عاوادگی احساس میشود قرار میدهد. این یکی از اولین و مهمترین و تأثیر ما بوده.

اگر برای شما فرصتی است بعد تا با احزابی که دشمن بلشویکها هستند برخورد کنید، اگر روزنامههایی که بروسی در مناطق اشغال شده توسط کولچاک یا دنیکیمن منتشر میشود ببینتان بردهها اگر اتفاقاً با مردمی صحبت کنید که در نظرات آن روزنامهها سهم اندک اغلب ممکنست از آنها این تهمت را بشنوید

که قدرت شوروی دموکراسی را نقض کرده است.

ما و نمایندگان قدرت شوروی و کمونیستهای بلشویک و پشتیبانان قدرت شوروی اغلب متهم به نقض دموکراسی میشویم و بعنوان دلیل این حقیقت ذکر میشود که قدرت شوروی مجلس موسان^{۴۲} را منحل کرده است. ما معمولاً چنین اتهامی را بطریق دبی جواب میدهیم: که آن دموکراسی و آن مجلس موسان زمانی بوجود آمد که هنوز مالکیت خصوصی در زمین موجود بوده، زمانیکه مساوات بین مردم وجود نداشت، زمانیکه کسی که سرمایه و در اختیار داشت، رئیس میشد و ما برین برای او کار میکردند و بردگان مزدگیر میبودند - آن دموکراسی بود که ما ارزشی برای این قابل نیستیم. چنین دموکراسی بردگی را حتی در پیشرفته ترین کشورها پنهان مینمود. ما سوسیالیستها تنها تا جایی پشتیبان دموکراسی هستیم که وضع زحمتگران و ستمدیدگان را آسان میازد. در تمام دنیا سوسیالیسم مبارزه با هر نوع استعمار انسان از انسان را وظیفه خود قرار داده است. چنان دموکراسی که در خدمت استعمار ستمدیدگان و زیرستان باشد برای ما ارزش واقعی ندارد. اگر کسیکه کار نمیکند بی مزیت [حق رای] گردند، آن [گاه] مساوات حقیقی بین مردم [حکفرما] است. کسانیکه کار نمیکند نباید بخورند.

ما در جواب باین اتهامات میگوئیم که سوال باید باین طریق مطرح شود - چگونه دموکراسی در کشورهای مختلف اجرا میگردد؟ میبینیم که مساوات در همه جمهوریهایی دیکراتیک اعلام میشود، ما در قوانین مدنی و در قوانین حقوقی زنان و مربوط به موقعیت آنها در خانواده و طلاق و عدم تساوی و تحقیر زنان را در هر گام مشاهده میکنیم و میگوئیم این نقض دموکراسی بخصوص در رابطه با ستمدیدگان است. قدرت شوروی دموکراسی را بدرجه بالاتری از هر یک از پیشرفته ترین کشورهای دیگر اجرا نموده است، زیرا در قوانین هیچ اثری از عدم مساوات زنان باقی نگذاشته است. دو باره من میگویم که هیچ دولت دیگری و هیچ [مجلس] قانون گذاری دیگری نصف آنچه قدرت شوروی برای زنان در ماههای اولیه موجودیتش عملی کرده، انجام نداده است.

البته و قوانین بنفهای کافی نیستند و ما بهیچوجه قانع به مصوبات نمیستیم. چنانکه در حوزه تدوین قوانین هر چیزی که از ما خواسته شده تا زنان را در موقعیت تساوی حقوقی قرار دهد ما انجام داده ایم و ماضی داریم به

آن ببالیم . هم اکنون موقعیت زنان در روسیه شوروی در مقایسه با موقعیت آنها در پیشرفته ترین دولت‌ها ، ابدآل است . هر چند ما بحود میگوئیم ، که البته این تنها اول کار است .

زن بحاطر کارش در منزل معموز در موقعیت منگی قرار دارد . برای اجرای کامل رها تیی و برابری او با مرد لازمست که خانه داری بصورت سوسیالیزه درآید و زنان درکارمولد عمومی شرکت نمایند . بیس زنان موقعیتی همانند مردان اشغال خواهند کرد .

البته ، ما ارتساوی زن و مردنا آنجا که به بارآوری کاره مقدار کاره مدت کار روزانه ، شرایط کاره و غیره مربوط میشود صحبت نمیکنیم . منظور ما اینست که زن و همچنین مرد ، نیاستی بحاطر موقعیت افتخادیهی مورستیم قسرا ر گیرد . همه شما میدانید حتی زمانیکه زنان حقوق کامل دارند ، بدلیل آنکه همه خانه داری بآنها محول شده معموز ربر نسبت بانی میمانند . در اکثر موارد خانه داری غیرمولدترین ، بیرحمانه ترین و شاق ترین کاریست که بک زن میتوانست انجام دهد ؛ بنحوی غیرعادی پیمش با افتخاده بود و چیزی بربرندارد که بنحوی پیشرفت زن را ارتقا بخشد .

ما با یافتاری بر روی ابدآلی سوسیالیستی میخواهیم برای اجرای کامل سوسیالیزم مبارزه کنیم ، و دراینجا میدان کار وسیعی دربرابر زنان باز است . ما اکنون در تهیه تدارکات جدی بمنظور هموار ساختن زمینه برای ساختمان سوسیالیزم هستیم ، اما ساختمان سوسیالیزم تنها زمانی شروع خواهد شد که ما تساوی کامل [حقوق] زنان را کب نموده و همراه بازنانی که از آن کار جزئی ، بی اثر و غیرمولد رهایی یافته اند کار جدید را بعهده بگیریم . این کاریست که سالهای سال بطول خواهد انجامید .

چنین کاری نمیتواند بناج فوری نشان دهد و اثر جرقه مانندی نولهد

نخواهد نمود .

ما موسسات نموده ، اماکن عدا حوری و غیرهوارگاهانی که زن را از خانه داری رها سازد دائر میمانیم . و کارنشکبلائی همه این موسسات عمدتا بدو زنان خواهد افتاد . باید انجان کرد که امروزه در روسیه موسسات خیلی کمی هستند که بزنی برای خروج از وضع بردگی خانگی امر کمک کنند . تعداد ناچیزی

آنها موجود است و شرایطی که اکنون در جمهوری شوروی وجود دارد - جنگ و وضع غذا که در این مورد رفقا قبلا تفصیل آنرا گزارش داده اند - مانع ما در ایستادگی است. معینا باید بگوئیم چنین موسساتی که زنان را از موقعیتشان محروم بردگان خانه دار آزاد می نماید، در هر کجا که بطریقی امکانی وجود دارد باید تدارک میگردند.

ما میگوئیم که رهایی کارگران باید توسط خود کارگران اجرا شود و دقیقاً بهمان طریق رهایی زنان کارگر امریست برای خود زنان کارگر. زنان کارگر باید خودشان شاهد توسعه چنین موسساتی باشند و این فعالیت نخبه کاملی در وضع شان با مقایسه با آنچه تحت جامعه سرمایه داری کهن بود، بوجود خواهد آورد.

تحت سیستم کهن سرمایه داری و بمنظور فعالیت سیاسی و نیاز به تربیت خاصی بود. بنا بر این حتی در پیشرفته ترین و آزادترین کشورهای سرمایه داری، زنان نقش جزئی در سیاست بازی میگردند. وظیفه ما اینست که سیاست را در دسترس هر کارگر زنی قرار دهیم. از زمانیکه مالکیت خصوصی زمین و کارخانه ها ملغی شده و قدرت ملاکین و سرمایه داران سرنگون گردیده، وظایف سیاست، برای زحمتکشان بطور کلی و بخصوص زنان کارگر نیز ساده و واضح و قابل فهم شده است. در جامعه سرمایه داری وضع زن با چنان عدم تساوی مشخص شده که شرکت او در سیاست نسبت به شرکت مرد خیلی ناچیز است. لازم است قدرت زحمتکشان برای تحولی در این زمینه بکار آفند. چون بعداً وظایف اصلی سیاست از مفادی تشکیل خواهد شد که مستقیماً بر سر نوشت خود زحمتکشان اثر میگذارد.

در اینجا نیز شرکت زنان کارگر - نه تنها زنان عضو حزب و زنان آگاه سیاسی و بلکه زنان غیر عضو و نیز کسانی که کمترین آگاهی سیاسی را دارند - ضروریست. در اینجا قدرت شوروی معینا وسیعی از فعالیتها را بر روی زنان کارگر میگشاید.

ما دوره مشکلی در مبارزه بر علیه نیروهای دشمن روسیه شوروی که بار حمله کرده اند داشته ایم. این برای ما مشکل بود که هم در صحنه نبرد بر علیه نیروهای که ضد قدرت زحمتکشان بجنگ آمده بودند و هم در زمینه مواد غذایی بر علیه سوناگران بیکارکنیم زیرا تعداد زحمتکسانی که از صمیم قلب با

نیروی کارخویشان بکمک ما آمده بودند بسیار کم بود. برای اینجا نیز برای قدرت شوروی چیزی با اندازه کمک نوده‌ها ی زنان کارگر غیرحزبی، با ارزش نیست. آنها شاید بدانند که در جامعه کهنه بورژوازی برای شرکت در سیاست، به آموزش بیچیده‌ای نیاز بود که در دسترس زنان قرار نداشت. فعالیت سیاسی جمهوری شوروی عمدتاً مبارزه بر علیه ملاکان و سرمایه‌داران و مبارزه برای محسوس کردن استثمار است. بنابراین در جمهوری شوروی فعالیت سیاسی در دسترس کارگران قرار گرفته است و عبارت از این است که کارگر زن قدرت تشکیلاتی را برای کمک بکارگر مرد بنابر آورد.

آنچه ما نیاز داریم تنها کار تشکیلاتی در مقیاسی که میلیون‌ها تن را شرکت بدهد نیست؛ ما بکار تشکیلاتی در کوچکترین مقیاس نیز نیازمندیم و این برای زنان امکان کار را نیز فراهم میکند. زنان در شرایط جنگ، آنگاه که مسئله کمک بارتش یا اجرای آزبناسیون [تسبیح] در ارتش است میتوانند کار کنند. زنان باید نقش فعالی در تمام اینها بعهده بگیرند تا ارتش سرخ ببیند که مواظب هستند و [در باره آنها] ابراز شکرانی میشود. زنان همچنین میتوانند در زمینه توزیع غذا در بهبودی‌بخاری عمومی کار کنند و در همه جا اماکن غذاخوری مشابه آنچه در پتروگراد آنچنان زیاد است، باز کنند.

در چنین زمینه‌هایی است که فعالیت‌های زنان کارگر بزرگترین اهمیت تشکیلاتی را بدست می‌آورد. شرکت زنان کارگر نیز در تشکیلات و اداره مراکز بزرگ آزمایشی ضروری است تا این وظیفه‌ای برای چند مرد نباشد. این چیزی است که بدون شرکت تعداد کثیری از زنان کارگر نمیتواند اجرا گردد. زنان کارگر در زمینه نظارت بر توزیع غذا و تهیه سهل‌تر مواد غذایی بسیار مفید خواهند بود. این کار میتواند بحسب توسط زنان کارگر غیر حزبی انجام پذیرد و انجام آن بیشتر از هر چیز دیگری جامعه سوسیالیستی را استحکام خواهد بخشید. ما مالکیت خصوصی زمین و تقریباً بطور کامل مالکیت خصوصی کارخانه‌ها را لغو کرده‌ایم؛ قدرت شوروی اکنون کوشش میکند تا همه زمینداران، چه اعضا حزبی و چه غیر حزبی، چه زن و چه مرد، در این توسعه اقتصاد و شرکت جویند، کاری که قدرت شوروی شروع نموده تنها زمانی میتواند به سرقت کند که بجای صدها نفر، میلیون و میلیونها تن در سراسر روسیه در آن شرکت نمایند. ما

منظمن همتيم آنگاه امر انكشاف سوساليزم استوار خواهد شد . آنگاه زحمتكشان نشان خواهند داد كه آنها بدون كمك مالكان و سرمايه داران ميتوانند زندگي كنند و كشورشان را اداره نمايند . آنگاه ساختمان سوساليزمى بر چنان پايه استواري در روسيه قرار خواهد گرفت كه هيچ دشمن خارجي در ساير كشورها و هيچ [دشمنى] در داخل روسيه خطري براى جمهورى شوروى نخواهد بود .

" پراودا " ، شماره ۲۱۳

۲۵ سپتامبر ، ۱۹۱۹

" كليبات " ، جلد ۳۰

قدرت شوروی و موقعیت زنان

دومین سالگرد قدرت شوروی فرصتی است برای بررسی آنچه طی این دور انجام پذیرفته و برای مرور اهمیت و اهداف انقلابیکه با تمام رسیده است. بورژوازی و حامیان آن بما تهمت نقض دمکراسی را میزنند. از سوی دیگر ما اظهار میداریم که انقلاب شوروی تحریک بیسابقه‌ای به توسعه دمکراسی در عرض و عمق بخشیده است. [این] دمکراسی برای زحمتکشان تحت حتم سرما به داری، برای اکثریت وسیع مردم، [یعنی] دمکراسی سوسیالیستی (برای زحمتکشان) با دمکراسی بورژوازی (برای استثمارکنندگان، برای سرما به داران، برای ثروتمندان) تفاوت دارد. حق با کیت؟

برای تعقیب کافی در مورد این مسئله و درک عمیق تری از آن باید از تجربه دو سال گذشته آموخته و آماجی بهتری برای تکامل بیشترش کسب کنیم. موقعیت زنان به برجسته ترین وجه، فرقی بین دمکراسی بورژوازی و سوسیالیستی را روشن میسازد و موثرترین جواب را به سؤال مطرح شده میدهد. در جمهوری بورژوازی (یعنی آنجا که مالکیت خصوصی زمین، کارخانه‌ها، سهام، وغیره موجود است) مثلاً در دمکراتیک ترین جمهوریه‌ها در هر جای دنیا، در هر يك از كشورهاى پیشرفته تره زنان هرگز حقوق مساوی نداشته اند. با وجود این حقیقت که بیمراز ۱۲۵ سال از انقلاب (بورژوا - دمکراتیک) فرایسه گذشته است بورژوازی در حرف قول براسری و آزادی میدهد. ولی در عمل نقضها يك جمهورى بورژوازی، حتى پیشرفته ترین آنها، برسان (بصفت جمعیت بشر) و مردان برابرى کامل از نظر قانونى نداده و با زنان را از حتم و واستگی به مردان رها بی بخشیده است.

دمکراسی بورژوازی، دمکراسی عبارات بر آب و ناپ کلمات تشریفاتی، وعده و وعده‌های بسیار و شمارهای پرسروصدا درباره آزادی و براسری است، اما در عمل همه اینها زداهی بر عدم آزادی و نابرابری برای زحمتکشان و استثمارشوندگان

است.

دمکراسی سرمایه‌دستی یا شوروی این کنکات بر آب و تاب ولی دروغین را دور میریزد و علیه سالوس "دمکراتها" و زمین داران و سرمایه داران و زارعین با انبیا نهای بزرگ از روش غله اضافی به قیمتهای محضکرانه به کارگران گرسنه ثروت میاندورند، جنگی بمرحمانه اعلام میدارد.

مرکز برای دروغ کشیف! هیچ "ساوانی" بین متحرک و متعدهده.

استثمارگر و استثمارشونده وجود نداشته نمیتواند داشته باشد. تا زمانیکه امتیازات قانونی مردان موانعی برای زنان بوده، تا زمانیکه کارگر از بیوغ سرمایه و نهقان زحمتکش از بیوغ سرمایه دار، مالک و تاجر رها نشده، "آزادی" حقیقی وجود نداشته نمیتواند داشته باشد.

مگذارید دروغ گویان محقه بازان حرف و کور، بورژواها و حامیان آنها، مردم را با کلی گویی در مورد آزادی و مساوات و در مورد دمکراسی بفریبند.

ما بکارگران و نهقانان میگوئیم - مالک این دروغگویان را بشرید، و چشم کورشان را باز کنید. از آنها بپرسید.

آیا مساوات بین زر و مرد وجود دارد؟

کدام ملتی یا ملت دیگر مساویت؟

کدام طبقه یا طبقه دیگر مساوی است؟

آزادی از چه بوعی با از بیوغ کدام طبقه ای؟ آزادی برای چه طبقه ای؟

کسی که درباره مساوات، دمکراسی و آزادی در باره مساوات، درباره سوبالیزم سخن میگوید، بدون آنکه چنین شواشی را شرح نماید، بدون آنکه با آنها ارجحیتی بدهد، کسی که با سکوت درباره آنها، پنهان ساختن و ماسمالی کردن آنها معارضه نمیکند، بدترین دشمن زحمتکشان، کرکی در لباس میس، مخالف هار کارگران و نهقانان و نوکر مالکان، تزارها و سرمایه داران است.

در دوره نوبالده قدرت شوروی در یکی از عقب افتاده ترین کشورهای اروپا برای آزادی زنان، و برابر ساختن آنها با جسی "قوی"، کار بیشتری انجام داد. تا آنجا که نی ۱۳۰ سال گذشته در همه جمهوریهایی "دمکراتیک" پیشرفته و روشن شده دنیا در مجموع بوقوع پیوسته است.

آموزش، فرهنگ، تمدن و آزادی، تمام این واژه‌های خوب آهنگ در همه

جمهوریها سرمایه‌داری بورژوازی جهان با فواین بسار زشت و نفرت‌انگیز و بدتر حیوانی بمرحمانه‌ای همراه است که زنان را در ازدواج و تالاق نابرابر می‌سازد، بچه مولد نامشروع و "مولد ثانوی" را نابرابر می‌نماید و امتیازاتی بمردان میدهد و زنان را حوار و بیست‌مسکند.

یوغ سرمایه و ستم "مالکیت خصوصی مقدس" استبداد [دبیرتیزم] نسبت نظر [فیلسوفین] کودنی، آرزو، مالکیت - اینها چیزهایی هستند که مانع الفای این فواین زشت و کثیف در دمکراسی‌ترین جمهوریها و بورژوازی شده‌اند. جمهوری شوروی، جمهوری کارگران و دهقانان، با یک ضربه این فواین را محو نمود و حتی یک سنگ از عمارت دروغهای بورژوازی و سوسیالیستی را در جای [خود] باقی نگذاشت.

مرگ برای این دروغ! مرگ بر دروغگویانی که درباره آزادی و برابری برای همه سخن می‌گویند، درحالی‌که زن تحت ستم، طبقات ستمگر، مالکیت خصوصی سرمایه و سهام و افرادی با انبانی‌های پسر که غله اضافی‌شان را برای برده‌کشی گرسنگان بکار می‌برند، وجود دارد. بجای آزادی برای همه بجای برابری برای همه بگذار مبارزه علیه ستمگران و استثمارگران باشد، بگذار فرصت ستمگری و استثمار از زمین برود، چنین است شعار ما!

آزادی و برابری برای جنس [زن] تحت ستم!

آزادی و برابری برای کارگران و دهقانان زحمتکش!

مبارزه علیه ستمگران، مبارزه علیه سرمایه‌داران، مبارزه علیه سود جویمان کولاک!

اینست شعار مبارزه ما، اینست حقانیت پرولتاریای ما، حقانیت جنگ علیه سرمایه و حقیقتی که ما برچهره جهان سرمایه - با عبارات عمل زده، سالیانه و پسر زری و برقی درباره آزادی و برابری عمومی و نه باره آزادی و برابری برای همه - پرتاب می‌کنیم.

از آنجا که ما این رهاکاری را عریان ساخته ایم و از آنجا که ما با شور انقلابی و آزادی و حقوق کامل زحمتکشان و ستمکشان را علیه ستمگران، علیه سرمایه‌داران و علیه کولاکها تا همین می‌کنیم - همین جهت

است که حکومت شوروی برای کارگران همه جهان چنین گرامی شده است و برای همینست که ما بمناسبت دومین سالگرد حکومت شوروی از همسرهای کارگزار همسرهای ستمدیدگان و استثمارچونندگان در همه کشورهای جهان برخورداریم. برای اینست که بمناسبت دومین سالگرد حکومت شوروی علمبرغم قحطی و سرما علمبرغم همه معاشی که در اثر تهاجم امپریالیستها به جمهوری شوروی روسیه بوجود آمده، ما کاملاً به حقانیت هدفمان معتقدیم و بی‌پروزی اجتناب‌ناپذیر قدرت شوروی در مقیاس جهانی اعتقاد عمیق داریم.

"پراودا" شماره ۲۴۹

۶ نوامبر ۱۹۱۹

"کلیات" ج ۳۰

به دفتر کنگره زنان در فرمانداری پتروگراد

رفقا، از آنجا که من فرصت حضور در کنگره شما را ندارم ما بکم کتباً شادباغها و بهترین آرزوهایم را برای موفقیت شما بفرستم. اکنون ما با عادی جنگ داخلی را تمام میکنیم. جمهوری شوروی بدلیل پیروزیها بی‌استثمارگران قوی تر میشود. جمهوری شوروی میتواند و باید از هم اکنون نیروها بی‌را برای امر مهمتری - امریکه برای ما زحمتکشان گرانبها تر و نزدیکتر است - برای جنگی بدون خونریزی و جنگی با پیروزی بر گرسنگی، سرما و مرگ و مرگ اقتصادی متمرکز کند. کارگران و دهقانان زن مخصوصاً در این جنگ بدون خونریزی و نقش بزرگی بازی میکنند. امید است که کنگره زنان در فرمانداری پتروگراد در بنیان گذاری تحکیم و سازماندهی ارتشی از زنان کارگر برای این جنگ بدون خونریزی کمک نماید و جنگی که باید و خواهد پیروزیهای با زهم بزرگتری برای قدرت شوروی بارمغان آورد.

"پتروگرادسکایا پراودا" با نیروهای کمونیستی

و • پولیسانو (لنین)

۱۰ ژانویه ۱۹۲۰

۱۱ ژانویه ۱۹۲۰

"کلیات" ج ۳۰

به زنان کارگر

به زنان کارگر ،

رفقا ، انتخابات شورای سکو نشان میدهد که حزب کمونیست در میان طبقه کارگر پایه میگیرد .

زنان کارگر باید بعضی بزرگتری را در انتخابات بعهده بگیرند . حکومت شوروی اولین و تنها حکومتی است که در دنیا همه قوانین کهنه و ننگین بورژوازی را که به زنان موقعیتی کمتر نسبت به مردان میداد ، و مردان موقعیتی ممتاز مثلا ، در رابطه با حقوق ازدواج و بچه ها ، میداد کاملا از بین برد . حکومت شوروی - حکومت زحمتکشان - اولین و تنها حکومتی است که در دنیا همه امتیازات مردان را در مسائل مالکیت مانند امتیازات تیکه در قوانین ازدواج و خانواده در همه جمهوریهایی بورژوازی ، حتی دمکراتیکترین آنها هنوز باقیست ، الفانموده . هر جا که مالکین ، سرمایه داران ، و تاجران باشند ، زنان نمیتوانند حتی در برابر قانون ، با مردان مساوی باشند .

آنجا که ملاکان ، سرمایه داران با تاجران وجود ندارند و آنجا که حکومت زحمتکشان زندگی نوین را بدون وجود چنین استثمارگرانی میآزاده زن و مرد در برابر قانون مساوی هستند . اما این کافی نیست .

مسائلی که در برابر قانون لزوما مساوات حقیقی نیست .

ما میخواهیم که زنان کارگر نه تنها در مقابل قانون بلکه در حقیقت امر با مردان کارگر برابر باشند . برای چنین امری زنان کارگر با یستی سهمی افزاینده در اداره بنگاهها و سوسالیزه شده و در اداره دولت بعهده بگیرند . با شرکت در کار اداری ، زنان بزودی مآ آموزند و مردان خواهند رسید . زنان کارگر بیشتری ، چه زنان کمونیست و چه غیر حزبی را برای شورا انتخاب کنید . نا آنجا که آنها زنان کارگر صدیقی بوده و قابلیت اجرای کار

شاهمان را بطور شرافتمندانه و عاقلانه دارند - حتی اگر عضو حزب هم نباشند -
آنها را برای شورای سکو انتخاب کنید!

زنان کارگر بیشتری به شورای سکو بفرستید! بگذار پرولتاریای
سکو نشان دهد که او آماده انجام هر کاری و در حال انجام هر چیزی است
بهروزی میباید و بگذد تا برای کهن و تحقیر کهنه بورژوازی زنان جنگ
میکنند!

پرولتاریا تا آزادی کامل را برای زنان بدست نیاورد، نمیتواند
آزادی کامل را کسب نماید.

۲۱ فوریه ۱۹۲۰ء ن. لنین

"پراودا" شماره ۴۰ و ۲۲ فوریه ۱۹۲۰

"کلیات" ج ۲۳

شاهدباش به کنفرانس تمام - روسی

دیارتمانهای زنان فرمانداری شوروی

به رئیس کنفرانس تمام - روسی دیارتمانهای زنان فرمانداری شوروی ۱۶ دسامبر ۱۹۲۰
رفقا! من عمیقاً متأسفم از اینکه قادر نیستم در کنفرانس شما حضور
یابم. خواهش میکنم شاهدباشهای صبیانه و بهترین آرزوی های مرا برای
موفقیت همه زنان و مردان حرکت کننده اعلام دارید.

اکنون که جنگ پایان یافته و کار تشکیلاتی زمان صلح جلو رانده شده
است - و امیدوارم برای مدتی طولانی چنین باشد - حرکت زنان در حزب و دولت
اهمیت قابل توجهی کسب مینماید. در چنین امری زنان باید و البته خواهند
توانست نقش اصلی را ایفا نمایند.

و. اولیانف (لنین)

صدر شورای کمیته‌های خلق

"پراودا" ۲۸۶، ۱۹۲۰

۱۹ دسامبر ۱۹۲۰

"کلیات" ج ۲۱

در باره روز بین المللی زنان کارگر^{۲۸}

سرمایه داری برای برابری ظاهری را با نابرابری اقتصادی و نتیجتاً با نابرابری اجتماعی ترکیب مینماید. این یکی از عوامل عمده سرمایه داریست که عمداً توسط حامیان بورژوازی و لیبرالها، لاپوشانی میشود و قابل فهم دمکراتهای عرصه بورژوا نیست. ضمناً این محفلت سرمایه داری، برای ما لازم میباشد که در نبرد راسخ مان برای برابری اقتصادی، آشکارا نابرابری سرمایه داری را تصدیق کنیم، و حتی تحت شرایط معینی این تصدیق علنی نابرابری را بپای برای دولت پرولتاریا بی (قانون اساسی شوروی) بسازیم.

ولی حتی در مورد برابری رسمی (برابری در برابر قانون) برابری فرد گرسنه و سیر و فرد ملک دار و بی ملک) سرمایه داری نمیتواند متناقض نباشد و یکی از بارزترین تبلورات این تناقض، محفلتهای نابرابری زنان و مردان است. برابری کامل حتی در مترقیترین دولتهای جمهوری و دمکراتیک بورژوازی اعطا نشده است.

از سوی دیگر، جمهوری شوروی روسیه فوراً همه اثرات قوانین نابرابری زنان را بدون استثنا پاک نمود و بلافاصله مساوات کامل در برابر قانون را برایشان تأمین کرد.

گفته میشود که بهترین مِلّاك سطح فرهنگی، موقعیت قانونی زنان است. چنین کلمات قصاری هسته حقیقت عمیقی را در بردارد. در این رابطه تنها دمکراتوری پرولتاریا، تنها دولت سوسیالیستی میتواند بالاترین سطح فرهنگی را کسب نماید و کسب کرده است.

بنابراین موج جدید نیرومند و بی نظیر جنبش زنان کارگر بطور اجتناب ناپذیری با ایجاد (و تحکیم) اولین جمهوری شوروی - و بعلاوه و در رابطه با این، یا انترناسیونال کمونیست^{۲۹}، ارتباط میباشد.

از آنجا که بیاناتی راجع بکسانی شده است که مستقیم یا غیر مستقیم،

در کل یا جزء و تحت ستم سرما به داری بوده اند. باید گفت که سبب ستم شوروی و تنها سبب ستم شوروی، دمکراسی را ضمانت مینماید. این بوضوح با موفقیت طبقه کارگر و دهقانان فقیر و زنان نشان داده میشود.

اما سبب ستم شوروی آخرین مبارزه تعیین کننده برای الفای طبقات و برای تساوی اقتصادی و اجتماعی است. دمکراسی، حتی دمکراسی برای آنها منجمله زنان، که تحت ستم سرما به داری بوده اند، برای ما کافی نیست.

و طبقه اصلی جنبش زنان کارگر مبارزه برای تساوی اقتصادی و اجتماعی و نه تساوی ظاهری برای زنان میباشد. امر اصلی اینست که زنان را به شرکت در کار تولیدی اجتماعی کشانده و آنها را از «بردگی خانگی» آزاد کرده و آنها را از انقیاد تعیین کننده و تحقیر آمیز، جان کنی ابدی آشپزخانه و شهر خوارگاه رها سازیم.

چنین مبارزه ای طولانی خواهد بود و احتیاج به نوسازی ریشه ای تکنیک و آداب و رسوم اجتماعی دارد، که تنها با پیروزی کامل کمونیسم به آن خواهد رسید.

۱ مارچ ۱۹۲۰

مکمل "پراودا" شماره ۵۲

۷ مارچ ۱۹۲۰

"کلمات" جلد ۳۰

روز بین المللی زنان کارگر

لب بلشویزم و انقلاب اکتبر روسیه کثاندن همان کسانی به سیاست است که تحت سیستم سرما به داری متعدده ترین [کمان] بودند . آنها توسط سرما به داران ، هم در [دولت] سلطنتی و هم جمهوری دمکراتیک بورژوازی منکوب ، مغبون و تاراج شدند . نازمانیکه زمین و کارخانه ها در مالکیت خصوصی بودند این ستم ، فریب و غارت زحمتکشان توسط سرما به داران اجتناب ناپذیر بود .

جوهر بلشویزم و قدرت شوروی اینستکه دروغ و بازی مکرر دمکراسی بورژوازی را افشا کند ، مالکیت خصوصی زمین و کارخانه ها را الف کند و قدرت دولتی را درست توده های کارگر و استثمار شده تمرکز دهد . این توده ها ، سیاست یعنی کارماختمان جامعه جدید را بعهده خواهند گرفت . این وظیفه آسانی نیست : توده ها را سرما به داری تبها زده و مورد ستم قرار داده است ، اما راه دیگری نیست و نمیتواند راه دیگری هم برای خروج از بردگی مزدی و بندگی سرما به داری وجود داشته باشد .

ولی شما نمیتوانید توده ها را بدون کثاندن زنان سیاست به سیاست بکثانید . زیرا در سرما به داری نصف جمعیت بشر [یعنی] زنان تحت ستم مضاعف هستند . زنان کارگر و روستایی تحت ستم سرما به هستند ، اما بیشتر و بالاتر از آن ، حتی در دمکراتیک ترین جمهوری های بورژوازی ها و آنها از بعضی حقوقها بدلیل آنکه قانون برابری با مردان را بآنها نمیدهد ، محروم بوده و ثانیاً - و این مورد اصلی است - آنها در « قید خانه داری » باقی میمانند و آنها به « بردگان خانگی » بودن ادامه میدهند ، چون آنها زیر بار جان - کنی ، بدنامی و کمر شکن ترین و بیپوده ترین رنجها را در آغوش خانه و خانوار منفرد تحمل میکنند .

تا بحال هیچ حزب یا انقلابی در جهان به خواب ندیده است که مانند انقلاب بلشویک شوروی ، چنین عمیق از رهه به ستم دیدگی و غایب بری زنان ضربه

زده باشد. در اینجا هیچ اثری از نابرابری بین زن و مرد در قانون باقی نماند. قدرت شوروی همه نابرابریها بخصوص نابرابری تنفر انگیز و پست و مالومات را که در قوانین ازدواج و خانواده و نیز در رابطه با فرزندان بود از بین برد.

این تنها اولین گام در آزاد کردن زنان است. ولی هیچک از جمهورها و بورژوازی منجمله دمکراتیک ترین آنها حتی جرات برداشتن همین اولین گام را نداشته است. دلیل آن حرمت به "حق منفس مالکیت خصوصی" است. دومین و مهمترین گام، الفای مالکیت خصوصی زمین و کارخانه است. این و تنها این راه را بسوی رهایی کامل و حقیقی زنان و رهایی آنها از بردگی خانگی از طریق گذار از خانداری تا چیزی منفرد به خدمات خانگی مویسالیزه بزرگ و باز مینماید.

چنین گفتری مشکل است، چون مستلزم قالب گیری دوباره رهبردارترین کهنه ترین و محدود ترین و خشک ترین "نظام" (بی غرضی و وحشی گری بحقیقت نزدیکتر است) میباشد. اما چنین گفتری شروع شده و به مرحله عمل گذارده شده است. و ما مسهر جدیدی را در پیش گرفته ایم.

ولنا در چنین روز بین المللی زنان کارگر، میتینگ های به شمار زنان کارگر در همه کشورهای دنیا، درونهای [خود] را به روسیه شوروی که اولین بار اس و شیفه بی نظیر و بینهایت سخت ولی بزرگ و حقیقتاً آزادبخش را بمسهر گرفته، خواهند فرستاد. این پها میانی نیرو بخش برای از کف ندادن جرات در مقابل عکس العمل درنده و غالباً وحشیانه بورژوازی خواهد بود. هر قدر بیک کشور بورژوازی "آزادتر" و "دمکراتیک تر" باشد، داد و بیداد داوره سته سرما به داران بر علیه انقلاب کارگران وحشیانه تر است. مثال آن جمهوری دمکراتیک ایالات متحده آمریکا شمالی است. اما توده کارگران هم اکنون بیدار شده اند و بالاخره توده های غفنه و خواب آلود و بیحال در آمریکا اروپا و حتی در آسیای عقب مانده با جنگ امپریالیستی بر خواهند خواست.

بخ در هر گوشه دنیا شکسته شده است.

هیچ چیز نمیتواند موج رهایی مردم را از یوغ امپریالیسم و رهایی زنان و مردان کارگر را از یوغ سرمایه و متوقف سازد. چنین هدفی توسط

دعها و صنعا ميليون مرد و زن كارگر در شهر و ده دنبال ميشود . با توجه
است كه امر رهايي كار از بوع سرمايه در همه دنيا بيروزي خواهد رسيد .

۲ خارج ۱۹۲۱

در ۸ خارج ۱۹۲۱

مكمل " پراودا " شماره ۵۱، منتشر شد .

"كلمات" ج ۲۲

پيام تبريك به كنفرانس نمايندگان ديپارتمانهاي

۳۰ زنان خلقهاي مناطق شوروي و جمهوريهاي خاوري

من عميقا متاسفم از اينكه بعلت فشار كار قادر به حضور در كنفرانس
خما نيستم . خواهشمند است تبريكات قلبي و آرزو هاي صميمانه ام را براي
موفقيت و بصورت در تدارك اولين كنفره غير حزبي تمام - روسي زنان خاور
آينده نژديك كه بدرسني تدارك و رهبري شده و بايد كمك بسياري به امر
بهدياري زنان خاور و اتحاد آنها از نظر تشكيلاتي باشد . بپذيريد .

لنين

۱۰ آوريل ۱۹۲۱

" پراودا " شماره ۱۷

"كلمات" ج ۲۲

از " سالگرد چهارم انقلاب اکتبر "

تجلیات و بازماندگان و بقایای اصلی سرواز در روسیه تا ۱۹۱۷ چه بودند ؟ حکمت پادشاهی و سیستم املاک اجتماعی [خالصه جات] ، مالکیت زمین و اجاره داری زمین ، موقعیت پائین تر اجتماعی زنان ، دین وستم ملی ، هر یک از این اصولهای اوجین* را در نظر بگیرید ، که در ضمن تمام دولتها ی پیشرفته تر که انقلابات بورژوا - دمکراتیکشان را صدویست و پنج سال پیش در دست و پنجه سال پیرو و بیشتر (۱۶۴۹ در انگلستان) به پایان رساندند ، هنوز نسبت زیادی پاك نکرده باقی گذارده اند . هر یک از این اصولهای اوجین را در نظر بگیرید و ملاحظه خواهید کرد که ما آنها را کاملاً پاك نموده ایم . در مدت ۱۰ هفته ، از ۲۵ اکتبر (۲ نوامبر) ۱۹۱۲ ، تا انحلال مجلس موسان (۵ ژانویه ۱۹۱۸) ، ما در این رابطه هزار بار بیشتر از آنچه بورژوا - دمکراتها و لیبرالها در کادتها (و دمکراتهای خرده بورژوا) منشویکها و سوسیال رولوسونرها (در طی هشت ماهی که در قدرت بودند انجام دادند ، با انجام رساندیم . این بزدلان ، عیبکهای پریاد ، خودستایان لافزن ، نیمچه - هسلت های بیکه شمیرهای چوبی شان را بحرکت بر آوردند - اما حتی حکومت سلطنتی را از بین نبردند ! ما همه آن کثافات طعنت طلبی را آنچنان پاك کردیم که هرگز هیچکس قبیل از آن نکرده بود . ما حتی از ساختمان کهن ، سیستم املاک اجتماعی [خالصه جات] (که حتی پیشرفته ترین کشورها ، مانند انگلیس ، فرانسه و آلمان ، بازمانده های این سیستم را تا با امروز کاملاً از بین نبرده اند) پاك نگذا

* اوجین پادشاه ایلس ، ۳۰۰ گا و نر در اصطبلها پی که برای ۳۰ سال تمیز نشده بودند ، ناست ، و هر کول در یکروز با برکردن آبدو رود خانه در میان آنها ، آنان را تمیز کرد . کنا به از کثافت و فساد عدید . (انتشارات سباهکل)

بجای زنگارده ایم. ماریشدهای عمیق سیستم املاک اجتماعی [خالصه جات] یعنی باقی مانده های فئودالیزم و سرواژ در سیستم مالکیت زمین را تا با آخر قطع کردیم. کسی ممکنست جدل نماید - (در خارج حرافهای فراوانی [مانند] کادتها و منشویکها و سوسال رولوسینرها هستند که بجنین معادلانی میبهرند) که نتیجه رفرفم ارضی ناشی از انقلاب اکتبر "در سراز مدت" چه خواهد بود؟ ما در این لحظه هیچ نمایی نداریم که وقتیمان را بپر سر جنین جر و بحثهای تلف نمائیم چون ما ما این موضوع وهمجنین به جر و بحثهای بی شمار دیسگر بسا مبارزه پاسخ میدوئیم. اما منکر این حقیقت نمیتوان گشت که دمکراتهای خرده بورژوا با ملاکان و نگاهداران سنن سرواژه برای هفت ماه "مخالصه" نمودند و در حالیکه ما خاک روسیه را از ملاکان و همه سنن آنها در طرف چند هفته کاملاً رویدیم.

منهه با انکار حقوق زنان و با عدم مساوات ملیت های غیر روسی را در نظر بگیرید. اینها همه ما بل انقلاب بورژوا - دمکراتیک اند. دمکراتهای خرده بورژوا و مبتذل مدت هفت ماه از آنها صحبت کردند. حتی تنها در یکی از بهترین کشورهای دنیا [هم] این مسا بل در سطح بورژوا - دمکراتیک کاملاً رفع نشده است. در کشور ما آنها با تدوین قوانین انقلاب اکتبر کاملاً رفع گردیده اند. ما جدیت ما منهه جنگیده و میجنگیم. ما بهمه ملیت های غیر روسی و جمهوری با خود مختاری معتقد و حیثشان را اهدا کرده ایم. ما دیسگر در روسیه و انکار معتضخ و زشت و ناهنجار حقوق زنان با عدم مساوات زن و مرد را که باقیمانده منفور فئودالیزم و قرون وسطایی است و توسط بورژوازی طماع و خرده بورژوازی ترسو و احمق در هر کشور دیگری بدون استثنا. احیا گشته است، نداریم.

همه اینها در معنوی انقلاب بورژوا - دمکراتیک میبکنجد. صد و پنجاه سال و دوست و پنجاه سال پیرو رهبران پیشرو آن انقلاب (با آن انقلابها در صورتیکه ما هر نوع ملیتی را از يك قسم عام بدانیم) قول دادند که بشر را از امتیازات قرون وسطایی و عدم تساوی زن و مرد و با ادیان ما امتیاز دولتی (با اندیشه دینی) با "ندین" بطور عام (و عدم مساوات ملیتی) ببری سازند. آنها

وعدہ دادند ، ولی بوعده ہا پشان وفا نکردند . ایشان نتوانستند بآنها وفا کنند ، زیرا « احترام » به « مالکیت مقدس خصوصی » در راه شان بود . امفلاب پرولتاری ما با این « احترام » لعنی ، به این قرون وسطائی کریںہ بار لعنت عده و به « مالکیت مقدس خصوصی » مبتلا نشدہ .

۱۷ اکتبر ۱۹۲۱

« پراودا » ، ص ۲۳۷

۱۸ اکتبر ۱۹۲۱

« کلیات » ج ۲۳

از " در باره اهمیت ما تریا لیزم رزمنده "

در خاتمه ، من نمونه ای نقل خواهم کرد که بفرسغه هیچ ربطی ندارد ، اما بهر تقدیر به مسائل اجتماعی ایکه " بودزنامتم مارکسزما " ^{۲۱} هم به آن توجه نارد هر ربط پیدا میکند .

این نمونه ایست از طریقی که علم کاتب مدرن در عمل چون حاملی در خدمت هولناکترین و مفتضح ترین افکار ارتجاعی قرار میگردد .

اخیرا يك نسخه از " اکونومیست " ^{۲۲} ۱ (۱۹۲۲) ، که توسط دیپارتمان بازرهم انجمن فنی روسیه منتشر شده بود ، بنسبم رسیده است . کمونیست جوانی که این مجله را برایم فرستاده (او احتمالا فرصت مذاقه در محتویات آنرا نداشته است) نظر بسیار موافقی نسبت بآن از روی نایبختگی ابراز کرده بود . و در واقع این مجله - من نمیدانم تا چه حد از روی عمد - ارگانی است از فتودا - لیستهای مدرن ، البته بنیان در زیر ردای علم و دمکراسی و از این قبیل .

آقای معینی [بنام] پ . ا . موروکین در این مجله ، يك تحقیق دامنه دار و با اصطلاح " سوسیولوژی بکال " ، در باره " تاثیر جنگ " منتشر میازد . این مقاله بر ما به پراستاز مراجع پر ما به آثار " سوسیولوژی بکال " مولف و محلمان و همکاران متعددی در خارج ، اینجا نمونه ای از دانش میباید .
در صفحه ۵۲ ، خواندم :

" بهرا بر ۱۹۰۰۰ ازدواج در بتروگراد ، اکنون ۹۲/۲ طلاق - رقمی شگفت - وجود دارد . از هر ۱۰۰ ازدواج فح گشته ۵۱/۱۵ کمتر از بکال ، ۱۱ کمتر از یکماه ، ۲۲۲ کمتر از ۲ ماه ، ۲۷۱ کمتر از سه تا شش ماه و تنها ۲۲۶ بیشتر از ۶ ماه دوام آورده اند . این ارقام نشان میدهند که ازدواج قانونی مدرن عکلی است که عملا مقاربت جنسی خارج از ازدواج را پسندشان می - سازد ، و عاشقان " توت فرنگی " را قاصر میازد که اشتهایشان را بطریقی

• قانونی • ارضا • نمایند • («اگونومیت» • ص ۱ ، ص ۸۲)

هم این آقا و هم انجمن فنی روسیه که این مجله را منتشر میبازد و این نوع مباحث را درج میکند • بدون شك خویشان را از هواخواهان دمکراسی میدانند و نوهینی بزرگ بخود می بینند اگر آنها • آنچه درحقیقت هستند • یعنی فتودالیستها • ارتجاعیون • « پادوها ی دیپلمه » روحانیت • نامیده شوند • حتی کمترین آشنایی با قوانین کشورهای بورژوازی در مورد ازدواج و طلاق و بچه های نامشروع • و با وضع واقعی مربوط با این امور • کافیت بهر کسی که با این موضوع علاقه مند است • نشان دهد که دمکراسی بورژوازی مدرن • حتی در د مکراتبکمترین جمهوریهای بورژوازی از این جنبه برخورداردی حقیقتاً فتودالی با زنانه و بچه های نامشروع دارد •

البته این امر منشوبکها • سوسیال رولوسجونرها • بخشی از آثارشستها و همه حزبهای مشابه درغرب را از فرهاد زدن درباره دمکراسی و اینکه چگونه آن توسط بلشویکها نقش گفته • باز نمیدارد • اما درحقیقت انقلاب بلشویک تنها انقلاب دمکراتیک • پیگیر در رابطه با چنان مسائلی چون ازدواج • طلاق • و وضع بچه های نامشروع میباشد • و این مسئله ایست که بطور مستقیم بر منافع همه از نیمی از جمعیت هرکشوری اثر میگنارد • انقلاب بلشویک • برخلاف تعداد زیاد انقلابات بورژوازی • که پیش از آن رخ داده بودند و خویشان را دمکراتیک مینامیدند • به مبارزه ای راسخ در این رابطه • هم علیه ارتجاع و فتودالیسم و هم علیه مالوس معمول طبقات حاکم و مالک • مبادرت ورزید •

اگر ۹۲ طاق برای هر ۱۰۰۰۰ ازدواج برای آقای سوردو کین رسمی شکفت بنظر میرسد • میتوان فقط تصور کرد که با مولف در صومعه ای آنچنان دور از زندگی • زیسته و بزرگ شده که هیچکس وجود چنین صومعه ای را هرگز باور نخوا کرد • ویا اینکه او حقیقت را بطر منافع ارتجاع و بورژوازی تحریف کرد • است • هرکسی • با کمترین آشنایی به شرایط اجتماعی درکشورهای بورژوازی • میدانند که ارقام حقیقی طلاقهای واقعی (البته • بدون تصویب کلها با قانون در هر جایی بی اندازه بزرگتر است • تنها فرق بین روسیه و سایر کشورها در این رابطه اینست که قوانین ما مالوس و تحقیر در مورد زن و فرزندان را تصویب نمیکند بلکه

بوضوح و بنام دولت و جنگ سینما تکی علیه همه [انواع] مالوس و حقارت اعلام
میدارد .

مجلات مارکسیستی میباشد بچنگ با این فتودالیهت‌های " تحصیل کرده " .
مفرد نیز میادرت ورزند . احتمالا تعداد کثیری از آنان و حقوقی بیگانه
دولت هستند و توسط دولت ما برای آموزش جوانان ما استخدام شده‌اند . گرچه
آنان برای کار منصب ناظمین موسسات آموزشی جوانان از مفیدان رسوا
سالمتر نیستند .

طبقه کارگر روسیه در کسب قدرت موفق گردیده است . اما هنوز نیا موخته
چگونه از آن استفاده کند زیرا در غیر اینصورت خیلی پیش از این چنین معلمان
و اعضای انجمنهای با ما به را " بسیار مؤدبانه به کشورها و با " دمکراسی " بور-
ژوازی اعزام مینمود . آنجا مکان مناسبی برای چنین فتودالیهت‌هاست .
اما او [طبقه کارگر] با اراده با موغتن و مواهد آموخت .

۱۲ مارچ ۱۹۲۲

" بود ز نامم مارکسیزما " ۵ هـ ۲

مارچ ۱۹۲۲

" کلمات " جلد ۳۳

به کنفرانس غیر حزبی زنان کارخانه و دهقان

شهر مسکو و فرمانداری مسکو ۳۳

رفقای عزیز .

با صبا زیبا از خواهی آمد ها و آرزو های محبت آمیز شما . بسیار متاسفم
که قادر بحضور شخصی نیستم . بمناسبت پنجمین سالگرد انقلاب را تبریک گفته
و برای موفقیت جمعیتان و الاثرین آرزو را دارم .

۶ نوامبر ۱۹۲۲

ارادتمند شما لنین

در نوامبر ۱۹۲۲ انتشار یافت .

" کلمات " ج ۳۳

کلارا زتکین ، " خاطرات من از لنین "

از کتاب یادنامه من

رفیق لنین مکرراً بر مورد مسأله حقوق زنان با من بحث میکرد . او وضوحاً اهمیت بسیاری به جنبش زنان میداد ، جنبشی که برای او جز " ضروری جنبش توده‌ها و بود که در شرایط معین میتواند تعبیه کننده خود ، لازم بگفتن نیست که او مساوات کامل اجتماعی زنان را بعنوان اصلی میدید که هیچ کمونیستی نمیتواند در آن تردید کند .

ما اولین صحبت طولانی خود را درباره این موضوع در بهائیز ۱۹۲۰ ، در اطاق مطالعه بزرگ لنین در کرملین ، داشتیم . لنین پشت میز نشسته [میزی] که از کتابها و کاغذات پوشیده شده ، و نشان نهنده مطالعه و کار بدون " بیمنشی نو ذوق زن " ای که با يك نابغه تداعی میشود ، بود .

او پس از خوشآمد بمن [جنبش] آغاز کرد : " ما باید با تمام قوا يك جنبش بیرومند بین الحلقی زنانرا بر اساس مشخص ثنوریك برپا داریم . این روشن است که بدون ثنوری مارکسیستی ما نمیتوانیم براتيك صحیح داشته باشیم . در اینجا نیزه ما کمونیستها نیاز به وضوح شدید پرنسیپ داریم . ما باید خط مشخصی بین خود و سایر احزاب بکشیم . متأسفانه کنگره انترناسیونال دوم^{۱۲} ما در بحث مسئله زنان ، انتظارات ما را برنیآورد . مسئله را مطرح نمود اما موضع مشخصی نگرفت . کمیته‌ای هنوز مسئول این کارست . باید يك قطعنامه ، ترها ، ورهنمودهایی بنویسد ، اما تاکنون خیلی جلو نرفته است . شما باید بآن کمک کنید . "

من قبلا از ما یرین راجع بآنچه لذین حالا با من صحبت مینمود شنیده بودم و تعجب خوبش را ابراز کردم . من برای آنچه زنان روسی در ملی انقلاب انجام داده بودند و آنچه اکنون برای دفاع و انکشاف بیشتر آن انجام میدادند بر از خوف و غور بودم . من تصور میکردم که حزب بلشویک بخاطر موضع و فعالیت زنان يك حزب نمونه است . تنها حزب واقعا نمونه ای که به تنهایی به جنبش بین المللی کمونیستی زنان نیروی با تجربه و تربیت یافته ارزنده ای عرضه کرد و نمونه ای بارز در تاریخ گردید .

لنین با تبسمی خفیف اظهار داشت : « این درست است و عالی است ، در پترو گراد ، اینجا در مسکو ، و در سایر شهرها و مراکز صنعتی ، زنان پرولتاری ملی انقلاب ابراز وجود شکوهمندانهای کردند ، ما بدون آنها فاتح نمیشدیم ، با به سختی به پیروزی میرسیدیم . این عقیده من است ، چه بسا باکی از خویشتان نشان دادند و هنوز هم نشان میدهند ! رنج و محرومیتی را که آنها تحمل میکنند تصور کنید ، اما آنها با بیداری میکنند چون میخواهند از خوراها دفاع کنند ، چون آنها آزادی و کمونیزم میخواهند ، بله ، زنان کارگر ما رزمندگان طبقاتی برجسته ای هستند . آنها سزاوار شناخت و محبت هستند . در مجموع ، باید پذیرفته شود که حتی بانوان " مجلس موسسان دموکراتها " در پترو گراد در جنگ با ما شهادت بیشتری نشان دادند تا آن کادنها و ^{نگاهی} نکبت . " درست است که ما زنان قابل اعتماد ، باهوش و خستگی ناپذیری در حزب مان داریم ، آنها در شوراها ، کمیته های اجرایی ، کمیسارها و خلق ، و هر نوع ادارات عمومی مناصب مهمی دارند . بسیاری از آنها رور و شبها در حرب با در میان کارگران و دهقانان با در ارتش سرخ کار میکنند . و این برای ما بسیار ارزنده است . کاری که زنان برای جامعه انجام میدهند ، همانطور که قابلیت آنان گواه آنهاست ، برای همه زنان دنیا مهم میباشد . اولین دبکنا توری پرولتاری حقیقتا راه را برای مساوات کامل اجتماعی زنان هموار میسازد .

این امر بیشتر از مجله های ادبیات مربوط به زنان پیشداوری را بیشتر میکند . مهدها ، علییرغم همه اینها ، ما هنوز يك جنبش بین المللی کمونیستی زنان نداریم و باید حتما داشته باشیم . ما باید فوراً عبادت به شروع آن کنیم .